

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مباد
چو کشور نباشد تن من مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سرتون به کشتن دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

البي - فرهنگي

ملک الشعرا
استاد محمد نسیم "اسیر"
تنظيم و ویرایش: پورتال

دل مهجور

حق بگو، پروا مکن ارباب جاه و زور را
دل نرنج‌انی گهی، افتاده معذور را
تا شوی منظور، بشکن کله مغور را
حق شناس و حق بدہ زحمت کش مزدور را
به‌ر قطع دست و پا برداشتی ساطور را
ای خداجو! موسی عمران بین و طور را
بی سبب تمکین چه لازم هر کرو هر کور را
داده ای فرمان مگر، این فتنه مخمور را
کس چه میداند زبان این دل مهجور را
خود گرفتار است صدها خصلت محظور را
در درون خُم نریزم، دانه انگور را
اختیار آخر چه باشد آدم مجبور را

گرچه حرف حق به دار آویخته منصور را
تا ز آه مستمندان در امان باشی بکوش
لاف آقائی زدن، منفور عالم گشتن است
گرچه خود والامقامی، دست حق بالاترست
اشک از چشم یتیمان پاک کن، آخر چرا؟
صد چو فرعون آمد و در نیل هستی غرق شد
با توکل دیده بکشا، روشنائی ها بین
چشم می گردانی و آتش به عالم می زنی
یک کتاب از داستان نامرادی هاست دل
مفتی شهرم به می نوشی ملامت می کند
مَی نمی نوشم، مگر مشکل که بهر دفع غم
چند می خوانی به من آهنگ جبر و اختیار

تا «اسیر» از فیض لطف دوستان مشهور شد
قدر بشناسید، آخر شاعر مشهور را

(بن – المان، می ۱۹۹۹)